

دوره نهم

عاشورا تجلی وحدت موحدان عالم

و نفی ترادوستی



مجلس شورای اسلامی ایران  
روابط عمومی

# السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ نبوتکم

## عاشورا تجلی وحدت موحدان عالم و نفی نژادپرستی

لیک ایمان یکی

جسم شان معدود لیکن جان یکی

### اشاره

غیرفهم و جان که در گاو و خروست  
آدمی را عقل و جانی دیگرست  
جان حیوانی ندارد اتحاد  
تو مجو این اتحاد از روح باد  
جان گرگان و سگان هر یک جداست  
متحد جان های شیران خداست

در این نوشتار به معرفی تعدادی از یاران امام حسین علیه السلام می پردازیم.

### ۱. یاران خاص و بزرگ

گروهی از شخصیت هایی که میان موحدان متحد کربلا مانند خورشید می درخشیدند و جمع متحدان با حسین علیه السلام را آذین بسته بودند، عبارت اند از:

الف) حضرت علی اکبر علیه السلام

حضرت علی اکبر علیه السلام که تربیت شده مکتب حسینی و در کنار جدش امیرالمؤمنین علیه السلام بزرگ شده بود، دانشمندی الهی بود. در معرفی علی اکبر علیه السلام همین بس که پدرش امام حسین علیه السلام، او را شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از نظر قیافه ظاهری، اخلاق و سخن گفتن معرفی می کند و در نقلی فرمودند: «هنگامی که ما مشتاق دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله می شدیم، به چهره علی اکبر نگاه می کردیم.»

عاشورا یادگار نهضت جاوید امام حسین علیه السلام است که جمعیت به ظاهر کوچکی جان خود را در راه حفظ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله فدا کردند. یاران امام حسین علیه السلام در عاشورا نه تنها یک شکل و یک رنگ نبودند، بلکه از نظر طبقات اجتماعی و فکری نیز یکسان نبودند.

تصویری که از شب عاشورا ثبت و ضبط شده است، نشان می دهد یاران امام علیه السلام تا چه اندازه «آزاد» بودند. از مطالعه تاریخ می فهمیم تنوع و رنگارنگی عجیبی میان یاران امام بود؛ برعکس افراد در سپاه دشمن، مردمانی سطحی نگر، قبیله گرا، نژادپرست و دنیاگرا بودند که برای مال دنیا حاضر بودند آخرت خود را تباه کنند؛ درحالی که اصحاب امام علیه السلام صاحب فکر و فهم بودند و در شب عاشورا وعده پول و مقام نگرفتند، بلکه خبر کشته شدن دریافت کردند.

امام علیه السلام شب عاشورا خطاب به یارانش فرمود: «خدایتان از جانب من پاداشی نیکو دهد. بدانید که من می دانم فردا سرنوشت ما با این دشمنان چه خواهد شد. اکنون به همه شما اجازه رفتن می دهم، پس همه آزادید که بروید و بیعتی از من بر گردن شما نیست.»

در توصیف امام و عاشوراییان باید گفت: مؤمنان معدود

# السَّلامُ عَلَیْكُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا لِنُبُوِّكُمْ

که او هر شب قرآن را ختم می‌کرد. گفتگویی از او و میثم تمار سال‌های پیش از واقعه کربلا، نشان می‌دهد که هر کدام شیوهٔ شهادت دیگری را پیشگویی کرده‌اند. او در برابر پیشنهاد امان و پول برای دست برداشتن از یاری امام حسین علیه السلام، گفت: «مانزد رسول خدا صلی الله علیه و آله عذری نداریم که زنده باشیم و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را مظلومانه به قتل برسانند».

## ۲. یاران فراری امام حسین علیه السلام

(الف) انس بن حارث کاهلی در واقعه عاشور پیرمردانی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار امام حسین علیه السلام بودند. یکی از آنها انس بن حارث کاهلی است. انس پیرمرد سالخورده و از طایفه قبیله بنی اسد بود. گفته‌اند او در جنگ بدر و جنگ حنین نیز شرکت داشته است.

وی در روزهایی که خبر حرکت امام حسین علیه السلام به سمت کوفه را شنید، از محل زندگی خود (کوفه)، برای پرهیز از وارد شدن در جنگ، از آن شهر خارج شد تا خود را از خطر دور کند؛ ولی در منزلگاه «قصر بنی مقاتل»، گفتگوی امام حسین علیه السلام با عبیدالله بن حر جُعی را شنید.

او نیز برای فرار از همراهی با حسین علیه السلام از کوفه خارج شده بود و وقتی که امام علیه السلام تصادفی در مسیر فرار او را دیده بود، نصیحتش کرد، یاری امام علیه السلام را نپذیرفت. پس از شنیدن گفتگو به خود آمد و نزد امام آمد و گفت:

(ب) حضرت عباس بن علی علیه السلام درباره شخصیت حضرت عباس علیه السلام، همین بس که امام صادق علیه السلام در وصف او می‌فرماید:   
كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ، صَلَّبَ الْإِيمَانَ، جَاهَدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَأَبْلَى بَلَاءً حَسَنًا وَمَضَى شَهِيدًا؛ عموی ما عباس علیه السلام دیده‌ای تیزبین و ایمانی استوار داشت. همراه حسین علیه السلام جهاد کرد و از امتحان سرافراز بیرون شد و سرانجام به شهادت رسید.

امام سجاد علیه السلام در وصفش می‌فرماید: خدا عمومیم عباس را رحمت کند که ایثار کرد و خود را به سختی افکند و در راه برادرش جانبازی کرد، تا آنکه دست‌هایش از پیکر جدا گردید. آن‌گاه خداوند به جای آنها دو بال به وی عنایت فرمود که در بهشت همراه فرشتگان پرواز کند، همان‌سان که برای جعفر طیار قرار داد. عباس نزد خداوند مقامی دارد که همه شهدا در قیامت بدان غبطه می‌خورند.

## (ج) حبیب بن مظاهر

حبیب از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ همچنین در همهٔ جنگ‌ها کنار امام علی علیه السلام حضور داشت و از یاران خاص و از حاملان آن حضرت دانسته می‌شد. او عضو شرطة الخمیس (نیروی ضربتی و گوش‌به‌فرمان علی علیه السلام) بود. حبیب از حضرت علی علیه السلام، علم منایا و بلایا (علم به اموری که بعدها اتفاق خواهد افتاد) را آموخته و حافظ قرآن کریم بود. از امام حسین علیه السلام نقل شده است

# السلام علیکم و آله و سلم و آتی

دوستانش بازگشت و فرمان داد تا خیمه و بار و بُنه او را به کنار خیمه امام حسین علیه السلام منتقل کنند.

زهیر با همسرش نیز وداع کرد و بنا به نقلی همسرش را طلاق داد و به او گفت: «نزد خانواده‌ات برگرد، زیرا نمی‌خواهم از سوی من چیزی جز خوبی به تو برسد». زهیر بعد از وداع با همسرش، به همراهانش گفت: «هرکه دوست دار شهادت است، همراه من بیاید، وگرنه برود و این آخرین دیدار من با شماست». زهیر برای نزدیکان خود نقل کرد که سلمان فارسی گفته است: «آن‌گاه که سید جوانان آل محمد صلی الله علیه و آله را درک کردید، از پیکار و کشته شدن در کنار او بیش از دستیابی به غنایم شادمان باشید».

### ۳. فرماندهان و نیروهای سپاه دشمن

بخشی از شهدای کربلا که وحدت خونینی را رقم زدند، از وابستگان سپاه دشمن و حتی از سران سپاه آنان بودند که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود.

#### الف) حربن یزید ریاحی

حرب بن یزید از مشهورترین جنگاوران کوفه بود. در برخی منابع، از وی با عنوان صاحب شرطه (رئیس پلیس) عبیدالله بن زیاد یاد شده است. او به دستور عبیدالله بن زیاد به فرماندهی بخشی از سپاه اعزامی برای مواجهه با امام حسین علیه السلام منصوب شد. امام حسین علیه السلام در منزل گاه ذی حُسم با حرب و سپاهش روبرو شد. به گفته

به خدا سوگند از کوفه خارج نشدم جز به این سبب که همانند عبیدالله بن حر، جنگیدن با تو یا جنگیدن در کنار تو را ناخوش داشتم؛ ولی خداوند یاری تو را در دلم انداخت و به همراهی با تو برانگیخت.

این شخصیت هم با چنین خصوصیتی آزادانه، جاذبه حسینی امانش نداد و او را در صف یاران قرار داد!

#### ب) زهیر بن قین بجلی

یکی دیگر از شخصیت‌ها و شهدای مشهور کربلا، زهیر بن قین است. او تاجری ثروتمند و از هواداران عثمان به شمار می‌رفت که کسی فکر نمی‌کرد او به اصحاب امام حسین علیه السلام پیوندد. او سال ۶۰ قمری، با همسرش به همراه برخی از خویشاوندان و اهل قبیله‌اش در مسیر مکه به کوفه، در یکی از منازل بین راه با امام حسین علیه السلام و همراهانش که به سوی کوفه در حرکت بودند، در نزدیکی هم خیمه زدند.

امام حسین علیه السلام شخصی را نزد زهیر فرستاد و خواستار ملاقات با او شد. دعوت امام علیه السلام چنان غافل‌گیرانه بود که افراد سر سفره لقمه‌هایشان را انداختند و می‌خکوب شدند. زهیر در ابتدا تمایلی به این دیدار نداشت؛ اما به توصیه همسرش - دلهم دختر عمرو - نزد امام حسین علیه السلام حاضر شد. این دیدار مسیر زندگانی زهیر را تغییر داد. او پس از این ملاقات کوتاه که گزارش دقیقی هم از جزئیاتش در تاریخ نیست، شادمان نزد خانواده و

# السلام علیکم وعلیٰ آہل بیتنا اجمعین

اردو زدن در روستای نینوارا پذیرفت؛ از این رو در کربلا در نزدیکی رود فرات اردو زدند.

روز عاشورا، عمر بن سعد لشکر خود را آراست و فرماندهان هر بخش از سپاه را تعیین کرد. او حر بن یزید ریاحی را فرمانده بنی تمیم و بنی همدان قرار داد و سپاه آماده جنگ شد. حر چون تصمیم کوفیان برای جنگ با آن حضرت علیه السلام را جدی دید، نزد عمر بن سعد رفت و به او گفت: «آیا تو می خواهی با این مرد بجنگی؟» عمر سعد گفت: آری به خدا قسم چنان جنگی بکنم که آسان ترین آن افتادن سرها و بریدن دست ها باشد. حر گفت: مگر پیشنهادهای او خوشایندتان نبود؟ ابن سعد گفت: اگر کار به دست من بود، می پذیرفتم؛ ولی امیر تو (عبیدالله) پذیرفت.

حر، عمر سعد را ترک کرد و در گوشه ای از لشکر ایستاد و اندک اندک به سپاه امام علیه السلام نزدیک شد. مهاجر بن اوس - از لشکریان عمر سعد - به حر گفت: آیا می خواهی حمله کنی؟ حر در حالی که می لرزید، پاسخی نداد. مهاجر که از حال و وضع حر به شک افتاده بود، گفت: به خدا قسم، هرگز در هیچ جنگی تو را به این حال ندیده بودم، اگر از من می پرسیدند شجاع ترین مردم کوفه کیست، از تو نمی گذشتم (و تو را نام می بردم)؛ پس این چه حالی است که در تو می بینم؟

حر گفت: «به راستی که خود را میان بهشت و جهنم

منابع، حرّ نه برای جنگ، بلکه برای انتقال امام نزد ابن زیاد اعزام شده بود و از این رو با سپاهیان رودرروی توقفگاه کاروان امام صف آرایی کرد.

حر و سپاهیان هنگام ظهر و درحالی که تشنه بودند، به امام علیه السلام و یارانش رسیدند. با وجود صف آرایی خصمانه، واکنش امام علیه السلام با آنان صلح آمیز بود، چنان که به یاران خود دستور داد سپاهیان حر و اسبان شان را سیراب کنند.

حر مأموریت خود را به عرض امام علیه السلام رساند. امام علیه السلام تأکید کرد مردم کوفه از او دعوت کرده اند تا به کوفه بیاید؛ سپس با یادآوری مکاتبات و درخواست های مکرر کوفیان مبنی بر عزیمت امام به کوفه و دردرست گرفتن زمام امور، تصریح کرد که چنانچه کوفیان از خواست خود پشیمان شده اند، باز می گردد.

حرّ از وجود چنین مکاتباتی اظهار بی اطلاعی کرد و گفت او و همراهانش در زمره نویسندگان نامه ها نبوده اند و وی مأموریت دارد امام علیه السلام را به کوفه نزد ابن زیاد ببرد. دو گروه به نینوارسیده بودند که نامه ابن زیاد به دست حرّ رسید؛ مبنی بر آنکه بر امام و یارانش سخت بگیرد و آنان را در زمینی بی آب و علف و بی حصار متوقف کند.

حرّ که در تنگنا قرار گرفته بود و پیک ابن زیاد هم به مراقبت و جاسوسی او گماشته شده بود، به ناچار کاروان امام را متوقف کرد و درخواست امام و یارانش مبنی بر

# السلام علیکم یا اهل البیت

ابوشعثاء پس از تمام شدن تیرها برخاست و گفت: از آن همه تیرهایم تنها پنج تیر به خطا رفت. سپس با شمشیر به صفوف دشمن تاخت و چنین رجز می خواند:

أَنَا يَزِيدٌ وَأَبِي مُهَاجِرٌ  
أَشْجَعُ مِنْ لَيْثِ نَبِيلِ خَادِرٍ  
يَا رَبِّ إِنِّي لِلْحُسَيْنِ نَاصِرٌ  
وَلِابْنِ سَعْدٍ تَارِكٌ وَهَاجِرٌ

منم یزید فرزند مهاجر، شجاع تر از شیر بیشه، خدایا من یاری کننده حسینم و ابن سعد را ترک گفته و از وی دوری جستم. او شجاعانه شمشیر می زد تا آنکه به فیض شهادت نائل آمد.

## ۴. وابستگان به خوارج

دو برادر از خوارج که در سپاه عمر سعد بودند، روز عاشورا از لشکر عمر بن سعد جدا شدند و به سپاهیان امام حسین علیه السلام ملحق شدند: ابوالحتوف و سعد بن حرث انصاری عجلانی. ابوالحتوف که به این لقب معروف شده است، از اولاد حَرَث انصاری عجلانی و اهل کوفه بوده است. او پیش تر از خوارج بود، ولی بعد با امویان همراه شد. با چنین پیشینه ای با برادرش سعد، همراه عمر بن سعد شد و به کربلا آمد، عصر روز عاشورا، پس از شهادت یاران امام حسین علیه السلام، وقتی امام با صدای بلند بانگ زد: «أَلَا نَاصِرَ فَيَنْصُرُنَا؛ آیا کمک کاری نیست که ما را یاری کند» و زنان و کودکان اهل بیت علیهم السلام این صدا را شنیدند و گریه نمودند، ابوالحتوف صدای امام و گریه خاندان امام را شنید و متحول گردید؛ از این رو

می بینم و به خدا سوگند اگر تکه تکه شوم و مرا با آتش بسوزانند، من جز بهشت چیز دیگری را انتخاب نخواهم کرد». حر این را گفت و بر اسب خود نهیب زد و به سوی خیمه گاه امام علیه السلام حرکت کرد.

گفته اند وی با حالی پریشان با امام مواجه شد و با اذعان به اینکه هرگز گمان نمی کرد کوفیان کار را به جنگ بکشانند، طلب بخشش کرد. امام برایش استغفار نمود و فرمود که تو در دنیا و آخرت آزادمرد (حرّ) هستی.

(ب) خُلاس و نعمان

دو برادر با نام های خُلاس بن عمرو ازدی راسبی و نعمان بن عمرو ازدی راسبی از اهالی کوفه به همراه عمر سعد به کربلا آمده بودند و چون شرایط امام توسط ابن سعد پذیرفته نشد، شبانه به امام پیوستند و در روز عاشورا در حمله نخست به شهادت رسیدند.

(ج) ابوشعثاء یزید بن زیاد

این فرد نیز ابتدا در سپاه ابن سعد بود؛ ولی چون کار به جنگ انجامید، به جانب امام علیه السلام آمد. وی قبل از حربه سپاه امام ملحق و ابتدا سواره به میدان رفت؛ ولی چون اسبش را پی کردند. به خیمه ها برگشت و در جلوی خیمه ها زانو زد و از آنجا که تیرانداز ماهری بود، صد تیر به سوی سپاه ابن سعد پرتاب کرد. امام در حق او چنین دعا کرد: «اللَّهُمَّ سَدِّدْ رَمِيَّتَهُ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ؛ خدایا، تیرش را به هدف بنشان و بهشت را پاداشش قرار ده».

# السَّلامُ عَلَیْكُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا لَدُنْكُمْ

حسین علیه السلام را شرط رضایت مادر می‌یابد. ماجرای وهب و مادرش نشان می‌دهد متحدان با سیدالشهدا علیه السلام گذشته فکری متفاوتی داشته‌اند که «حب الحسین» و جاذبه شخصیتی و اخلاص آن حضرت در راه خدا و صیانت از دین الهی آنان را جذب خود کرده بود و متحدانی بی‌نظیر ساخته است.

## ۶. غلامان

گروهی از یاران امام حسین علیه السلام، غلامانی بودند که امام حسین علیه السلام آنان را آزاد کرد تا اگر بخواهند به دنبال زندگی خود بروند.

جامعه آن روز عرب آنان را که بیشتر غیرعرب بودند، چیزی حساب نمی‌کرد؛ ولی آنان نیز جذب امام علیه السلام شده بودند و متحد با دیگران در جمع شهدا وارد شدند. وجود سیاهان آزاداندیش و نوع رفتار محبت‌آمیز امام علیه السلام با آنان به‌ویژه در لحظات شهادت، بیان‌کننده آن است که نژاد و رنگ هیچ اهمیتی در ارزش‌گذاری حسینی نداشته است.

الف) جَوْنُ بَنِ حُوَی

او فردی سیاه‌پوست اهل نوبه (منطقه‌ای در آفریقا) و غلام فضل بن عباس بن عبدالمطلب بود که امام علی علیه السلام او را خرید و به ابوذر بخشید. او پس از رحلت ابوذر در ربذه، به خانه علی علیه السلام برگشت. روز عاشورا امام حسین علیه السلام جُون را که پیرمردی بود، از رفتن به

به امام علیه السلام پیوست و بی‌درنگ به دشمن حمله برد و گروهی را به قتل رساند و آن‌گاه به شهادت رسید.

سعد بن حرث نیز همانند برادرش ابوالحتوف اهل کوفه و از خوارج بود. او همراه عمر بن سعد به کربلا آمد و روز عاشورا و در آخرین لحظات عمر امام حسین علیه السلام هنگامی که صدای استغاثه و فریادرسی مظلومانه امام و گریه زنان و کودکان اهل بیت علیه السلام را شنید، چون برادرش متحول شد و به امام پیوست و در رکاب سالار شهیدان به دشمن حمله برد و گروهی را به قتل رساند و سپس شهید شد.

از نوع رفتار این دو برادر پیداست که سپاه سیدالشهدا علیه السلام تجلی‌گاه وحدت انسان‌های با احساسی بود که فطرت الهی آنها زنده بود و وجدان قابل بیداری داشته‌اند، برخلاف سپاه دشمن که محل تجمع اشقیای بوده است. همین ویژگی ممتاز آن دو را از صف متحدان با بنی‌امیه خارج و با اصحاب حسین علیه السلام متحد کرد.

## ۵. مسیحی تازه‌مسلمان

وهب بن وهب یا وهب بن عبدالله بن حباب کلبی از شهدای واقعه کربلا و یاران امام حسین علیه السلام است. منابع وهب را جوانی مسیحی دانسته‌اند که به همراه مادرش به دست امام حسین علیه السلام مسلمان شد و همراه با امام به کربلا آمد و روز عاشورا به میدان رفت. وهب در میانه نبرد به سمت مادر و همسرش بازگشت و از مادرش پرسید آیا از او راضی شده است یا نه؟ و در جواب، کشته شدن در راه

# السَّلامُ عَلَیْكُمْ وَآلِهِمْ وَارْحَمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ

## کتاب نامه

۱. ابن اثیر، علی، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۲. ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الأضواء، ۱۹۹۱ م.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: عادل احمد و علی محمد معوض، بیروت: [بی نا]، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن سعد، محمد، ترجمة الحسین علیه السلام و مقتله، بیروت: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۶ ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات علامه، [بی تا].
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف، ترجمه: احمد فهري زنجانی، چ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ ش.
۸. ———، اللهوف، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۹. ابن کثیر، اسماعیل، البداية و النهاية، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. ابن وردی، تاریخ ابن الوردی، نجف: [بی نا]، ۱۳۸۹ ق.
۱۱. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۹۸۶ م.
۱۲. امینی، محمد هادی، اصحاب امیر المؤمنین علیهم السلام و الرواة عنه، چ اول، بیروت: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، محقق: محمود فردوس العظم، دمشق: دار الیقظه، ۲۰۰۰ م.

میدان بازداشت؛ ولی او خطاب به امام گفت: «به خدا سوگند هرگز از شما جدا نمی شوم تا خون من با خون شما درآمیزد». از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: «شب عاشورا چون در چادر امام حسین علیه السلام بود و شمشیر او را آماده می کرد». او از جمله کسانی است که پس از شهادتش، امام حسین علیه السلام بر بالینش آمد و برایش دعا کرد.

## ب) سالم بن عمرو بن عبدالله

او غلام طایفه بنی مدینه کلبی و از شیعیان کوفه بود. او در قیام مسلم بن عقیل همراهش بود و پس از شهادت مسلم، توسط کثیر بن شهاب دستگیر شد. پس از مدتی از زندان ابن زیاد گریخت و میان قبیله اش مخفی شد. پس از ورود امام حسین علیه السلام به کربلا، سالم به همراه افرادی از بنی کلب به او پیوستند و در روز عاشورا به شهادت رسید.

## ج) سالم غلام عامر بن مسلم

سالم به همراه مولای خود عامر بن مسلم عبدی و یزید بن ثبیط عبدی که از اهالی بصره بودند، در منزل گاه ابطح در نزدیکی مکه به امام حسین علیه السلام پیوستند و در کربلا به شهادت رسید. نام او در زیارت الشهدا آمده است.

**به قلم: فرج الله میرعرب (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) - مجله ره توشه مبلغان - شماره هجدهم**



# السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ

۱۴. جلالی، عباس، سلحشوران طف (ترجمہ ابصار العین)، چ اول، قم: زائر، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. حسینی حائری شیرازی، عبدالمجید، ذخیرة الدارین، تحقیق: باقر دُزیاب نجفی، قم: زمزم ہدایت، [بی تا].
۱۶. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، چ دوم، قم: انوار الہدی، ۱۴۲۳ ق.
۱۷. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة فی العالم، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم، قاہرہ: دار احیاء الکتب العربی، ۱۹۶۰ م.
۱۹. سماوی، محمد بن طاہر، ابصار العین فی انصار الحسین، ترجمہ: عباس جلالی، قم: زائر، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعہ مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوک)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراہیم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷ م.
۲۲. قرشی، باقر شریف، حیاة الامام الحسین، قم: مدرسہ علمیہ ایروانی، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. قمی، شیخ عباس، نفس المهموم، ترجمہ: کمرہ ای، تہران: چاپ اسلامیہ، ۱۳۷۶ ق.
۲۴. مامقانی، عبد اللہ، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محیی الدین مامقانی، قم: مؤسسۃ آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. مجلسی، محمد تقی، روضۃ المتقین، تحقیق: موسوی کرمانی، علی پناہ اشتراردی، طباطبائی، چ دوم قم: مؤسسہ فرهنگی اسلامی کوشانیپور، ۱۴۰۶ ق.
۲۷. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، چ دوم، قم: نشر معروف، ۱۴۱۷ ق.
۲۸. محلی، حمید بن احمد، الحدائق الوردیة، تحقیق: مرتضی بن زید محطوری، صنعا: مکتبہ بدر، [بی تا].
۲۹. محمدی ری شہری، محمد، دانش نامہ امام حسین علیہ السلام، چ ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۸ ش.
۳۰. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، چ اول، قم: کنگرہ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. ———، الارشاد، تحقیق: موسسۃ آل البيت علیہ السلام، قم: کنگرہ شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. موسوی زنجانی، سید ابراہیم، وسیلہ الدارین، بیروت: مؤسسۃ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.

يا ابا عبد الله  
سلام عليك

السلام عليك يا عبد الله بن الحسن

يا ويا محمد  
رحمة ما انا  
عز اولي ووجه  
ووجه ووجه  
بارزین چچه

يا ويا محمد  
رحمة ما انا  
عز اولي ووجه  
ووجه ووجه  
بارزین چچه